



نمونه امضای اعضای هیأت دولت (4) از 1320 - 1322 ش

پدیدآورده (ها) : کریمیان، علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1373 - شماره 16
از 92 تا 105
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/98623>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 28/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

نمونه امضای اعضای هیأت دولت از ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ ش.

۴

علی کریمیان



۱۰۱- آذر، مهدی [دکتر]

وزیر فرهنگ - دکتر مهدی آذر
دکتر مهدی آذر



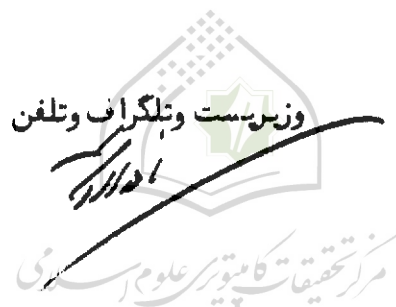
دکتر مهدی آذر

خوانند، از آن پس برای ادامه تحصیل به تهران آمد و سیکل دوّم متوسطه را در مدرسه دارالفنون به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۲ ش. وارد مدرسه طب دارالفنون شد و در سال ۱۳۰۷ ش. به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی نایل شد، و در همان سال در کنکور اعزام دانشجویان به خارج شرکت کرد و قبول شد. و در ۱۲ مهر ۱۳۰۷ ش. همراه گروه ۱۲۰ نفری دانشجویان به خارج اعزام شد. در آنجا مجدداً تحصیلات طب را در دانشکده پزشکی لیون شروع کرد و پس از گذراندن امتحان تشریح و بافت‌شناسی به دانشکده پزشکی پاریس رفت و بیماریهای گوارشی را در بخش «پروفیسور ویلاره Villareat» طی کرد و تحصیلات پزشکی خود را در پاریس به پایان رساند و پایان‌نامه خود را نیز با راهنمایی استاد مذکور در دانشکده پاریس در

مهدی آذر فرزند علی آقا تبریزی (۱۳۱۸/۱۲۸۰-۱۳۷۲ ش.) در مشهد متولد شد. تحصیلات مکتبی و دبستانی و سه سال اول متوسطه را در مدرسه تازه تأسیس دانش مشهد به پایان رسانید، سپس به علت فقدان مدرسه در مقطع تحصیلی بالاتر در مشهد و مشکلات مادی در یک حجره فرش‌فروشی مشغول کار شد، در این زمان با ادیب نیشابوری آشنا شد و به مدرسه نواب رفت در نزد ایشان «مغنی اللیبیب عن کتب العاریب» در نحو و «مطول» در معانی و بیان را خواند، سپس از طرف «شرکت فرهنگ مشهد» در مدرسه نظمیّه مشهد [این مدرسه صرفاً به‌خاطر اینکه روبروی نظمیّه مشهد قرار داشت به این نام بود]. تدریس حساب و جغرافیا پرداخت و تا مرداد ۱۲۹۹ ش. «شرح معلقات سبع» را نیز نزد ادیب نیشابوری

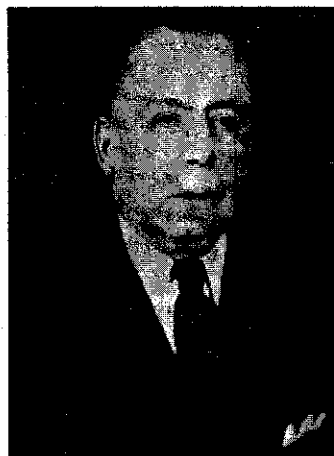
سال ۱۳۱۳ ش. درباره «ناراحتی‌های معدی و امعایی یا گاز و هوا در امعاء» گذراند و موفق به اخذ دانشنامه دکترای پزشکی از دانشگاه پاریس و مدال برنز شد. وی در اسفند ۱۳۱۳ ش. به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۴ ش. مأمور بهداری آذربایجان غربی و تأسیس بیمارستان دولتی رضائیه (ارومیه) گردید و در سال ۱۳۱۵ ش. بیمارستان مذکور را افتتاح کرد، وی در سال ۱۳۱۶ ش. به علت جسارت به مقامات عالی‌تر منتظر خدمت شد و بلافاصله به وزارت پیشه و هنر منتقل و مأمور تأسیس بهداری کارخانجات و معادن گردید. در سال ۱۳۱۸ ش. مجدداً به سبب تمرد از دستورهای علی منصور [وزیر پیشه و هنر] منتظر خدمت شد و در همین سال از طرف اداره بهداری به ریاست بیمارستان رازی تهران منصوب شد. در همان زمان با فاصله ده‌الی بیست روز بر حسب دستور شاه بیمارستانهای تهران ضمیمه دانشکده پزشکی شد و «پروفسور ابرین» فرانسوی که جهت تشکیلات سازمان دانشکده پزشکی استخدام شده بود تشکیلات نوین را به اجرا درآورد و در تشکیلات جدید دکتر آذر به ریاست بخش پزشکی در بیمارستان فارابی منصوب شد و پس از شش سال سابقه خدمت در این موقع حایز رتبه یک پزشکی شد و با این سمت در بیمارستان وزیری و رازی مشغول بکار شد. در سال ۱۳۲۷ ش. با توجه به قانونی که از مجلس شورای ملی گذشت و نظر به سابقه تدریس و تألیفاتی که در پزشکی داشتند کرسی بیماریهای داخلی از طرف شورای دانشگاه به ایشان محول و به‌عنوان استاد کرسی شناخته شدند، سال ۱۳۲۹ ش. توسط دولت تیمسار رزم‌آرا بازداشت و زندانی شد که با اعتصاب اساتید و دانشجویان دانشگاه آزاد شد. از ۶ مرداد ۱۳۳۱ ش. تا ۲۱ تیر ۱۳۳۲ ش. وزیر فرهنگ در کابینه دکتر محمد مصدق بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. به فرمانداری

نظامی جلب سپس در جمشیدیه و لشکر ۲ زرهی بازداشت و بعد از ۵ ماه زندانی بودن با قرار منع تعقیب در ۲۷ دی ۱۳۳۲ ش. از زندان آزاد شد. از آن پس مجدداً در بیمارستان رازی با سمت رئیس بخش و استاد کرسی بالینی بیماریهای درونی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۳۳ ش. با قرارداد کنسرسیونم نفت مخالفت کرد و از استادی دانشگاه برکنار شد. مجدداً در ۱ دی ۱۳۴۰ ش. به علت تظاهرات در دانشگاه تهران بازداشت شد. از ۴ دی ۱۳۴۱ ش. عضو شورای عالی جبهه ملی ایران بود وی در سال ۱۳۰۴ ش. مجله ماهانه فرهنگی اجتماعی «جهان دانش» را در تهران منتشر کرد. و چند مقاله در مجله آینده به چاپ رسانده است.



۱۰۲ - آراسته، نادر

نادر آراسته (۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۰۳ ق / ۱۲۶۵ ش - ۱۳۵۳ ش.) در تبریز به دنیا آمد.

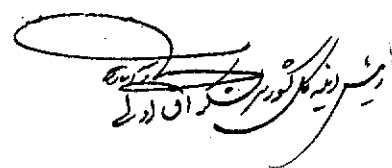


نادر آراسته

وی تحصیلات مقدماتی را در تبریز طی کرد و برای تکمیل تحصیلات به سن پترزبورگ رفت، در سال ۱۲۸۷ ش. در وزارت امور خارجه استخدام شد و سپس مشاغل ذیل را عهده‌دار شد:

ابتدا به‌عنوان آتاشه قونسولگری ایران در باکو، سپس ژنرال قونسولگری در قلیس، از ۲ بهمن ۱۲۸۹ ش. مترجم دوم اداره روس در دارالترجمه و از ۱۵ تیر ۱۲۹۰ ش. مترجم اول اداره روس، از ۹ دی ۱۲۹۱ ش. نیابت قونسولگری ایران در حاج طرخان، بعد از آن به‌عنوان ویس قونسولگری ایران در گنجه، قونسول در عشق‌آباد، در سال ۱۲۹۹ ش. نماینده سیاسی در ترکستان، مأمور رفع اختلاف سرحدی با ترکیه، ریاست اداره دوم سیاسی، در سال ۱۳۰۲ ش. مأمور تحویل گرفتن بندر انزلی از شورویها شد و پس از آن مدتی فرماندار بندر انزلی بود، در سال ۱۳۰۶ ش. مستشار سفارت ایران در لندن و بعد از آن معاون حکومت آذربایجان، در سال ۱۳۱۱ ش. تا ۱ تیر ۱۳۱۲ به حکومت خوزستان منصوب شد، از سال ۱۳۱۲ ش. تا ۱۳۱۴ ش. وزیر مختار ایران در لهستان، از ۳۰ مرداد ۱۳۱۴ ش. تا فروردین ۱۳۱۶ ش. وزیر مختار ایران در آرژانتین، از ۲۸ شهریور ۱۳۱۶ ش. تا اردیبهشت ۱۳۱۹ ش. وزیر مختار ایران در آلمان بود. در سال ۱۳۲۰ ش. به وزارت کشور منتقل و به استانداری گیلان منصوب گردید، از ۵ آذر ۱۳۲۳ ش. تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۴ ش. وزیر پست و تلگراف در کابینه مرتضی قلی بیات، از ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ ش. تا ۱۳ خرداد ۱۳۲۴ وزیر راه در کابینه ابراهیم حکیمی، از ۲۲ خرداد ۱۳۲۴ ش. تا ۲۲ مهر ۱۳۲۴ ش. وزیر راه در کابینه محسن صدر، سپس استاندار اصفهان شد، از ۱ تیر ۱۳۲۷ ش. تا ۲۵ آبان ۱۳۲۷ ش. وزیر پست و تلگراف در کابینه عبدالحسین هژیر، از ۲۵ آبان ۱۳۲۷ ش. تا ۲۱ اسفند ۱۳۲۷ ش. وزیر پست و تلگراف و از آن پس تا ۲۳

فروردین ۱۳۲۸ ش. وزیر راه در کابینه‌های محمد ساعد، از اردیبهشت ۱۳۲۸ ش. تا مرداد ۱۳۳۳ ش. سفیر کبیر ایران در شوروی.



۱۰۳ - آقاولی، فرج‌الله [سرتیپ، سرلشکر، سپهبد]

فرج‌الله آقاولی فرزند دکتر امان‌الله نصیرخاقان (۱۲۶۷ ش. - ۱۳۵۳ ش.) در اصفهان متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه معروف «ادب» که تحت نظر حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی بود به پایان رساند، سپس به مدرسه آمریکایی رفت و زبان انگلیسی را در آنجا به خوبی فراگرفت، پس از فراغت از تحصیل شغل معلمی را پیشه کرد و به تدریس تاریخ و جغرافیا در مدرسه ادب و مدرسه قدیم نظام پرداخت و مدتی قرار شد دفاتر دولتی را از سیاق به عدد تغییر دهند. او به دستور صنیع‌الدوله وزیر مالیه وقت و با همکاری منتخب‌الدوله این کار به انجام رسانید، پس از استبداد صغیر و برقراری مشروطیت دوم شوستر برای سروسامان دادن به مالیه استخدام شد و با اختیارات کامل خزانه‌دار کل گردید. او در این مأموریت مبادرت با تأسیس ژاندارمری خزانه نمود و عده‌ای را استخدام کرد و فرج‌الله آقاولی هم با درجه ستوان یکمی به استخدام ژاندارمری خزانه درآمد. وی پس از انحلال ژاندارمری خزانه وارد ژاندارمری دولتی گردید و اولین مأموریت وی فرماندهی گروهان قم بود

سپس مأمور مازندران و قزوین شد. مقارن کودتای ۱۲۹۹ ش. درجه سرهنگی داشت، در سال ۱۳۰۱ ش. به ریاست ستاد ژاندارمری کشور منصوب شد و به درجه سرتیپی ارتقاء یافت. در سال ۱۳۰۴ ش. حاکم نظامی گیلان شد، در سال ۱۳۰۵ ش. مأمور تشکیل اداره نظام وظیفه گردید، از ۵ بهمن ۱۳۰۶ ش. تا ۱۳۰۹ ش. حکمران خوزستان شد. وی در سال آخر مأموریت خود متهم به جانبداری از ایلات و کوتاهی در قلع و قمع آنان شد و به همین جهت در سال ۱۳۰۹ ش. مدتی بازداشت شد، در ۱۵ فروردین ۱۳۱۱ به ریاست احصائیه و سجل احوال مملکتی منصوب شد. ریاست ستاد ارتش در غرب کشور و مدتی بازداشت شد. وی در ۱۵ مهر ۱۳۲۰ ش. مجدداً رئیس اداره نظام وظیفه شد، از ۲۶ آذر ۱۳۲۰ ش. تا ۹ آذر ۱۳۲۲ ش. به ریاست ژاندارمری کل کشور منصوب و در ۷ خرداد ۱۳۲۱ ش. به درجه سرلشکری ارتقاء یافت. در ۸ شهریور ۱۳۲۲ ش. به اتهام همکاری با آلمانها و تشکیل ستون پنجم در ایران به مدت دو سال در تهران، اراک و رشت توقیف و زندانی بود، پس از آزاد شدن در ۲۷ بهمن ۱۳۲۴ ش. چند ماه به ریاست ستاد ارتش منصوب شد و بر اثر بیماری کناره‌گیری کرد. از ۳۰ خرداد ۱۳۲۶ ش. وزیر کشور در کابینه پنجم احمد قوام بود ولی به علت نداشتن آزادی عمل در کارهای

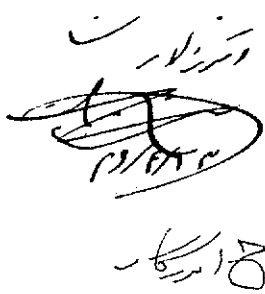


سپهبد فرج‌الله آقاولی

وزارتخانه در ۱۷ تیر ۱۳۲۶ ش. استعفا کرد. از ۶ دی ۱۳۲۶ ش. تا ۲۰ اسفند ۱۳۲۶ ش. وزیر کشور در کابینه ابراهیم حکیمی بود. از ۲ مهر ۱۳۲۸ ش. به ریاست بانک سپه تعیین شد. وی در سال ۱۳۲۸ ش. به عضویت هیأت انجمن آثار ملی انتخاب و در سال ۱۳۳۴ ش. به ریاست هیأت مدیره انجمن منصوب شد علاوه بر آن رئیس هیأت کمک به آسیب‌دیدگان و سپس بازرس جمعیت شیر و خورشید نیز بوده و در ۱ فروردین ۱۳۳۰ ش. به درجه سپهبدی ارتقا یافت.

در ضمن در انجمن اخوت نیز عضویت داشت. مدتی ریاست انجمن اخوت را عهده‌دار بود.

حبیب‌الله آموزگار



۱۰۴ - آموزگار، حبیب‌الله

حبیب‌الله آموزگار فرزند محمدحسین (۱۲۶۹ ش. - ۱۳۵۹ ش.) در اصطهبانات فارس به دنیا آمد. تا دوازده سالگی در زادگاهش به تحصیل زبان فارسی و عربی مشغول شد و صرف و نحو و معانی بیان و منطق را در آنجا فراگرفت، و از آن پس تا سن بیست سالگی به تحصیل علم فقه و اصول و مختصر فلسفه پرداخت، بعد به تهران آمده و متجاوز از چهل سال در تهران اقامت کرد و علوم متداول جدید و زبان فرانسه و انگلیسی (بطور متوسط) در تهران تحصیل کرده و بیست سال در وزارت فرهنگ و مدتی رئیس مدرسه متوسطه ادب بود. از سال ۱۳۰۲ ش. تا ۱۳۰۴ ش. به ریاست فرهنگ



سرلشکر حسن ارفع



رئیس ستاد ارتش

۱۰۵ - ارفع، حسن [سرلشکر]

حسن ارفع فرزند رضا ارفع (۱۲۷۴ ش. - ۱۳۶۸ ش.) در تفلیس به دنیا آمد. او در دوازده سالگی وارد مدرسه نظام شد و تحصیلاتش را در دبیرستانهای نظام ژنو (سوئیس)، دبیرستان موناکو و دبیرستان نظام ترکیه به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۲۹۳ ش. با درجه ستوان دومی به استخدام ارتش درآمد و هشت ماه بعد به درجه ستوان یکمی ارتقاء یافت، در سال ۱۲۹۴ ش. جهت کارآموزی به سوئیس رفت و در سال ۱۲۹۹ ش. درجه سروانی گرفت و به خدمت در ژاندارمری مشغول شد، سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ش. جهت ادامه تحصیل نظامی به دانشکده سواره نظام فرانسه رفت و پس از بازگشت به ترتیب مشاغل ذیل را عهده‌دار بود:

وی عبارتند از:
دوره فارسی و دستور زبان فارسی در ۶ جلد.
صرف و نحو عربی به فارسی و فارسی به عربی در ۳ جلد.
اصول تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش در ۲ جلد.
اصلاحات اجتماعی و زن در جامعه و علم ارواح در ۳ جلد.
فلسفه روحی و جهان پس از مرگ در ۲ جلد.
منطق آموزگار.
فرهنگ فارسی آموزگار.
تاریخ ملکه اسلام و داستان ابومسلم خراسانی (ترجمه از عربی).
تلخیص و نگارش تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید اثر خواجه عبدالله انصاری.
گل‌های بوستان سعدی، شامل ده باغچه گلزار.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



حبیب‌الله آموزگار

فارس منصوب و به شیراز رفت، سپس به تدریس ادبیات فارسی و عربی در مدارس سن‌لویی، [در سال ۱۳۴۴ ق / ۱۲۹۴ ش. در مدرسه سیروس] و سپس به تدریس در مدرسه ادب پرداخت، از سال ۱۳۰۴ ش. برای خلع قاجاریه از شیراز به وکالت مجلس مؤسسان انتخاب شد. بعد از مدتی به ریاست تعلیمات ولایات وزارت فرهنگ منصوب شد. در سال ۱۳۰۷ به وزارت عدلیه منتقل و از سال ۱۳۱۵ ش. به عضویت استیناف، بازرسی قضایی در ثبت کل، رئیس اداره رویه قضایی، دادیار و مستشار دیوان عالی تمیز را عهده‌دار بود [مدت ۱۵ سال مستشار دیوان عالی کشور بود]. از ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ ش. تا ۱۸ فروردین ۱۳۳۰ ش. [ضمن تثبیت و ترمیم در کابینه جدید]. [پس از آن تا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۱ ش. وزیر فرهنگ در کابینه حسین علاء بود. به ریاست بانک عمران برای تقسیم اراضی محمدرضا پهلوی بعد از آن تا ۲۷ اسفند ۱۳۳۱ ش. مستشار عالی قضایی در وزارت دادگستری بود. نماینده انتصابی شیراز در مجلس سنا در دوره‌های دوم از ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ ش. تا ۲۵ اسفند ۱۳۳۸ ش. و دوره سوم از ۳ فروردین ۱۳۳۹ ش. تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. بود. از سال ۱۳۴۵ تا بهمن ۱۳۵۷ عضو و نایب رئیس بانک ملی.

وی همچنین سردبیر روزنامه سیاسی خبری و نیمه رسمی آفتاب، در سال ۱۳۳۷ ق / ۱۲۸۹ ش. مدیر مجله علمی، ادبی، اجتماعی و اخلاقی رهنما [صاحب امتیاز این مجله شیخ‌العزاقین‌زاده بود]. و در سالهای ۱۲۹۹ ش. - ۱۳۰۰ ش. سردبیر مجله ماهانه اجتماعی [ارگان جمعیت علم اخلاق بود]. و صاحب‌امتیاز هفته‌نامه جهان آینده [اولین شماره در ۱۲ اسفند ۱۳۲۳ ش. منتشر شد]. و در سالهای ۱۳۲۷ ش. و ۱۳۲۸ ش. روزنامه سیاسی، تاریخی دمکرات ایران را منتشر کرد. و مدیر روزنامه زندگی بود. و مهمترین آثار تألیفی و ترجمه شده

در سال ۱۳۰۴ ش. اتاشه سفارت ایران در لندن، از سال ۱۳۰۶ ش. تا ۱۳۰۸ ش. برای گذراندن دوره دانشگاه جنگ به فرانسه اعزام شد و مدرک تحصیلی او در ایران «فرماندهی عالی ستاد» ارزیابی گردید و در تهران در پست فرماندهی هنگ سواره دانشکده افسری قرار گرفت و پس از مدتی به معاونت و از سال ۱۳۱۱ ش. تا ۱۳۱۳ ش. به ریاست دانشکده افسری منصوب شد، در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ ش. همراه رضاشاه به ترکیه رفت، در سال ۱۳۱۴ ش. به معاونت مدیریت دروس دانشگاه جنگ و در پی آن ریاست اداره سواره‌نظام منصوب شد، در ۱ فروردین ۱۳۱۸ ش. به درجه سرتیپی ارتقاء و متعاقب آن ریاست رکن دوم ستاد ارتش را عهده‌دار بود، سپس به معاونت ستاد ارتش، فرماندهی مرکز تعلیمات آمادگاه تهران، فرماندهی لشکر یک، ریاست اداره بازرسی سواره‌نظام منصوب شد، و از ۱ فروردین ۱۳۲۳ ش. به درجه سرلشکری رسید سپس فرماندار نظامی خطوط شوسه و راه را عهده‌دار شد، از ۶ دی ۱۳۲۳ ش. تا ۲۷ بهمن ۱۳۲۴ ش. به ریاست ستاد ارتش منصوب شد، در ۲۰ فروردین ۱۳۲۵ ش. به دستور احمد قوام، نخست‌وزیر طبق ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت شد و در ۷ اسفند ۱۳۲۵ ش. بازنشسته شد. از ۱۴ فروردین ۱۳۳۰ ش. تا ۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش. وزیر راه در کابینه حسین علاء [وی در ۱۸ فروردین ۱۳۳۰ ش. در سمت خود باقی ماند]، از ۲۸ دی ۱۳۳۶ ش. تا آذر ۱۳۴۰ ش. سفیر ایران در ترکیه و وزیر مختار ایران در یونان، [در این سمت در ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ ش. موافقت‌نامه معروف دفاعی ایران - آمریکا را با فلچروان سفیر آمریکا در ترکیه امضاء کرد] از ۱۴ بهمن ۱۳۴۰ تا دی ۱۳۴۱ سفیر ایران در پاکستان بود. سپس مدتی به کار دامداری در اقدسیه مشغول و بعد به مونت کارلو رفت.

پس از شهریور ۱۳۲۰ ش. همزمان با

تشکیل حزب توده «حزب آریا» را تأسیس کرد و پس از برکناری وی از ستاد ارتش حزب نیز متلاشی شد.

وزیر
وزیر خواربار

۱۰۶ - اسدی، سلمان

سلمان اسدی، فرزند محمد ولی خان اسدی (۱۲۸۰ ش. - ۱۳۴۵ ش.) در شهر بیرجند به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدارس بیرجند، تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکایی در تهران و تحصیلات عالی را در دانشگاه کمبریج انگلستان ادامه داد و در سال ۱۳۰۷ ش. به ایرن بازگشت و در همین سال در وزارت عدلیه استخدام شد و به عضویت اداره قوانین عدلیه منصوب شد، نماینده سیستان و زابل در دوره‌های هفتم، هشتم و نهم در مجلس شورای ملی بود. در دوره هفتم [به جای پدرش انتخاب شد]. در این دوره از ۱۴ مهر ۱۳۰۷ ش. تا ۱۴

آبان ۱۳۰۹ ش. [از ۲۰ آبان ۱۳۰۷ ش. تا ۱۴ فروردین ۱۳۰۸ ش. و همچنین از ۱۵ مهر ۱۳۰۹ ش. تا ۱۴ آبان ۱۳۰۹ ش. منشی مجلس بود]، دوره هشتم از ۲۴ آذر ۱۳۰۹ ش. تا ۲۴ دی ۱۳۱۱ ش.، دوره نهم از ۲۴ اسفند ۱۳۱۱ ش. تا ۲۴ فروردین ۱۳۱۴ ش. [از ۲۴ اسفند ۱۳۱۱ ش. تا ۲۴ فروردین ۱۳۱۲ ش. منشی مجلس شورای ملی بود]، پس از مدتی مدیر کل بانک فلاحت بود که در ۷ دی ۱۳۱۴ ش. به علت شرکت پدرش در قیام گوهرشاد همراه برادرش علی اکبر توقیف و به زندان نظمی منتقل شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در زندان و تبعید [در بیرجند] بودند. از ۳۰ دی ۱۳۲۰ ش. به ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات [وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه] منصوب شد، بعد به مدیریت شرکت مختلط شیلات ایران و شوروی و سپس به معاونت وزارت خوار و بار و از ۲۳ تیر ۱۳۲۲ ش. به معاونت دکتر آرتور میلیسیو [رئیس کل دارایی]، انتخاب شد، مدتی هم مدیرعامل شرکت معاملات خارجی بود. از ۱۰ فروردین ۱۳۲۵ ش. به عضویت شورای عالی اقتصاد و از ۲۸ خرداد ۱۳۲۶ ش. وزیر کار در کابینه نهم احمد قوام بود. نماینده مشهد در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از ۲۵ تیر ۱۳۲۶ ش. تا ۶ مرداد ۱۳۲۸ ش. در سال ۱۳۴۰ ش. به مدت سه سال مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره بانک رفاه کارگران و عضو شورای عالی برنامه، و از ۱۴ مهر ۱۳۴۲ ش. تا ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۵ ش. نماینده انتخابی مشهد در دوره چهارم مجلس سنا بود.



سلمان اسدی

وزیر بازرگانی و پیشه‌وهندسری

وزیر بازرگانی و پیشه‌وهندسری

۱۰۷ - اسکندری، ایوج

ایرج اسکندری فرزند یحیی میرزا (۱۲۸۷ - ۱۳۶۴ ش.) در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سپهر و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون تهران به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۴ ش. جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه شده در ابتدا به دانشگاه پاریس رفت و از سال ۱۳۰۶ ش. به «دانشگاه گرونویل» وارد شد و به تحصیل در رشته حقوق پرداخت و با مدرک لیسانس فارغ التحصیل و به ایران برگشت. و در وزارت عدلیه استخدام شد. در پارک بدایت تهران به سمت معاونت مدعی العمومی مشغول بکار شد، پس از یک سال به عضویت علی البدل محکمه بدایت تهران و سپس به عضویت دیوان عالی دولت منصوب شد و مجدداً به پارک بدایت به سمت قلمی برگشت و تا شهریور ۱۳۱۵ ش در آنجا مشغول شد و از آن پس به شغل وکالت پرداخت. در سال ۱۳۱۶ ش. به اتهام تبلیغ مرام اشتراکی همراه گروه موسوم به ۵۳ نفر دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شد و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش. از زندان آزاد شد. در ۷ مهر ۱۳۲۰ ش. به همراه سلیمان میرزا اسکندری، عباس اسکندری، رضا روستا، دکتر مرتضی یزدی و... حزب توده ایران را بنیانگذاری و خودش به عنوان عضو کمیته مرکزی وقت انتخاب شد، وی در کنگره اول حزب در سال ۱۳۲۴ ش. به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد. از ۶ اسفند ۱۳۲۲ ش. تا ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ ش. نماینده ساری در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (رئیس فراکسیون پارلمانی حزب توده بود). از ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ تا ۲۵ مهر ۱۳۲۵ ش. وزیر پیشه و هنر در کابینه ائتلافی احمد قوام، در سال ۱۳۲۵ ش. مخفیانه ایران را ترک و مدتی در فرانسه بود و سپس به شوروی رفت و در آنجا به دبیرکلی حزب توده انتخاب شد. در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۸ ش. دادگاه جنایی شماره ۲ دادرسی ارتش بطور غیابی وی را به همراه ۱۲ نفر به اتهام

فعالیت کمونیستی غیاباً محکوم به اعدام کرد. مقارن سال ۱۳۳۰ ش. دولت فرانسه او را اخراج و به وین رفت و در سال ۱۳۳۴ ش. عازم مسکو شد. در سال ۱۳۳۶ ش. در پلنوم کمیته مرکزی به عنوان عضو هیأت اجراییه و دبیرکل حزب توده انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۷ ش. در این مقام بود. در آستانه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ش. به دستور مقامات شوروی از دبیرکلی برکنار شد. مدتی همراه دیگر اعضای کمیته مرکزی حزب توده به ایران برگشت و بر اثر اختلافاتی که با رهبر حزب پیدا کرد، ایران را ترک و به آلمان شرقی رفت.

همچنین وی صاحب امتیاز روزنامه رهبر [ارگان رسمی حزب توده] بود. اولین شماره آن در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۲ ش. منتشر و یک هفته پس از انتشار به مدت دو هفته توقیف شد و در ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ ش. یک بار دیگر به علت اهانت به مقام سلطنت توقیف شد و در این مدت روزنامه رزم به جایش منتشر گردید، که این عمل در مرداد و آذر ۱۳۲۲ ش. و آبان ۱۳۲۳ ش. تکرار شد. در مرداد ۱۳۲۴ ش. نیز به مدت سه ماه دچار توقیف گردید که این بار هم روزنامه های رزم، افق آسیا [فقط یک شماره در شهریور ۱۳۲۴ ش.]، منشور [چند شماره]، شعله ور [یک شماره] و شمشیر امروز [در مهر ۱۳۲۴ ش.] انتشار «روزنامه



ایرج اسکندری

رهبر» در آبان ۱۳۲۴ ش. از سر گرفته شد که مجدداً بعد سه ماه توقیف شد و در این مدت روزنامه های رزم و دنیای امروز [فقط یک شماره]، «شمشیر امروز» و «مردم» به جای آن منتشر شدند.

پس از رفع توقیف در بهمن ۱۳۲۴ ش. این روزنامه تحت نظر ایرج اسکندری، محمد پروین گنابادی، احمد قاسمی، احسان طبری و انور خامه ای منتشر شد و در آذر ۱۳۲۵ ش. باز هم توقیف شد و به جای آن روزنامه بشر [فقط یک شماره]، [کار و دانش یک شماره] و بیداری، منتشر شدند. پس از این توقیف «روزنامه رهبر» دیگر هرگز انتشار نیافت و از دی ۱۳۲۵ ش. روزنامه مردم جانشین آن شد.

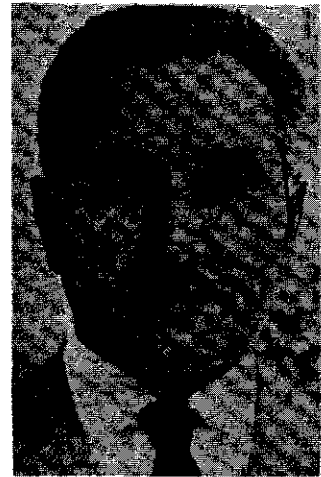
• بنمایید • وزیر سابق رزم



۱۰۸ - اعتبار، سید احمد (اعتبارالدوله)

سید احمد اعتبار (۱۲۶۹ - ۱۳۵۰ ش.) در همدان به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند سپس به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. وی نه دوره نماینده بروجرد در مجلس شورای ملی بود.

دوره پنجم از ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۰۴ ش. [از ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ تا ۱۴ فروردین ۱۳۰۳ ش منشی مجلس بود]. دوره ششم از ۱۹ تیر ۱۳۰۵ تا ۲۲ مرداد ۱۳۰۷ ش، دوره هفتم از ۱۴ مهر ۱۳۰۷ تا ۱۴ آبان ۱۳۰۹ ش. دوره هشتم از ۲۴ آذر



سیداحمد اعتبار

۱۳۰۹ تا ۲۴ دی ۱۳۱۱ ش. دوره نهم از ۲۴ اسفند ۱۳۱۱ تا ۲۴ فروردین ۱۳۱۴ ش. دوره دهم از ۱۵ خرداد ۱۳۱۴ تا ۲۲ خرداد ۱۳۱۶ ش. دوره یازدهم از ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ تا ۲۷ شهریور ۱۳۱۸ ش. دوره دوازدهم از ۳ آبان ۱۳۱۸ تا ۱۹ آبان ۱۳۲۰ ش. دوره سیزدهم از ۲۲ آبان ۱۳۲۰ تا ۲۷ اسفند ۱۳۲۱ ش. از ۲۷ اسفند ۱۳۲۱ تا ۸ فروردین ۱۳۲۳ ش. وزیر کشاورزی در کابینه علی سهیلی، از ۲۲ خرداد ۱۳۲۴ تا ۲۳ خرداد ۱۳۲۴ ش. وزیر پست و تلگراف در کابینه محسن صدر بود که استعفا کرد.

وزیر کشاورزی

۱۰۹ - اعتمادی، ناصر

ناصر اعتمادی (۱۳۰۹ ق / ۱۲۷۱ ش - ۱۳۳۶ ش) در تهران متولد شد. وی در دوازده سالگی به روسیه اعزام شد و تحصیلات مقدماتی را در آنجا فراگرفت و بعد از آن در «آکل دوگر» به تحصیل فنون نظامی پرداخت،

سپس به ایران بازگشت، در زمان سلطنت احمدشاه به مدت سه سال و نیم؛ در ابتدا به معاونت و بعد به فرماندهی [نسق چی باشی] ستونهای قزاق تبریز منصوب شد، بعد از آن به فرماندهی قزاقخانه اصفهان مأمور شد، در آغاز کودتای ۱۲۹۹ ش. حاکم زنجان [خمسه] بود. به تهران احضار و هشت ماه زندانی شد. در زمان ریاست شهربانی سرپاس محمد درگاهی به اتهام کمونیستی بودن دستگیر و به سمنان تبعید شد سپس مورد عفو قرار گرفت و به عضویت هیأت مدیره شیلات منصوب شد، در سال ۱۳۱۷ ش. برای خرید ماشین آلات ذوب آهن به آلمان اعزام شد. بعد از برگشت به معاونت وزارت راه منصوب شد، در کابینه دوم علی سهیلی از ۱۰ فروردین ۱۳۲۲ ش. معاون نخست وزیر بود، از ۱۷ فروردین ۱۳۲۳ ش. تا ۱۵ شهریور ۱۳۲۳ ش. وزیر کشاورزی در کابینه دوم محمد ساعد، از ۲۲ آذر ۱۳۲۴ ش. به استانداری خراسان منصوب شد و در سال ۱۳۲۵ ش. عضو هیأت مدیره بانک صنعتی معدنی ایران و هیأت مدیره شیلات ایران و شوروی منصوب شد.



ناصر اعتمادی

۱۱۰ - اقبال، منوچهر [دکتر]

منوچهر اقبال فرزند حاج میرزا ابوتراب مقبل السلطنه خراسانی معروف به «اقبال التولیه» در (۲۷ رمضان ۱۳۲۷ ق / ۲۰ مهر ۱۲۸۸ ش - ۱۳۵۶ ش) در مشهد به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی و ابتدایی را در مشهد و تحصیلات متوسطه را در مدارس ثروت و دارالفنون تهران به پایان برد و در تیر ۱۳۰۵ ش. برای ادامه تحصیل به فرانسه رهسپار و رشته پزشکی را انتخاب کرد. کلاس «پ. ث. ان» را در دانشکده علوم دانشگاه مونپلیه و تحصیلات طب را در دانشکده طب پاریس به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲ ش. به عنوان متخصص امراض عفونی فارغ التحصیل و پایان نامه خود را در مورد «نفریت های ارتمیک زود رس در مخملمک» با درجه دکترا و مدال نقره لورآ LAUREAT طی کرده و به ایران بازگشت. وی در مهر ۱۳۱۲ ش. جهت گذراندن دوره نظام اجباری (سربازی) به بیمارستان لشکر ۸ شرق (خراسان) معرفی شد پس از خدمت نظام در ۴ مرداد ۱۳۱۴ ش. در شهرداری مشهد استخدام و ریاست بهداری شهرداری و ریاست بخش بیماریهای عفونی بیمارستان شاهرضا [امام رضا] را نیز عهده دار شد و پس از مدتی به تهران آمد. در شهریور ۱۳۱۵ ش. ریاست بخش بیماریهای عفونی بیمارستان رازی منصوب شد. در سال ۱۳۱۸ ش. دانشیار

دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و سپس استاد کرسی بیماریهای عفونی در این دانشکده شد. در دولت اول قوام مرداد تا بهمن ۱۳۲۱ ش. به معاونت وزارت بهداشتی انتخاب شد، از ۱۵ شهریور ۱۳۲۳ تا ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ ش. کفیل وزارت بهداشتی در کابینه محمد ساعد. از ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ تا ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ ش. وزیر بهداشتی و از آن پس تا ۲۷ مرداد ۱۳۲۵ ش. وزیر پست و تلگراف در کابینه احمد قوام در تجدید کابینه از ۲۷ مهر ۱۳۲۵ [کابینه هشتم] تا ۲۵ آذر ۱۳۲۶ ش. وزیر بهداشتی در کابینه‌های قوام السلطنه و در ترمیم کابینه‌ها در ۲۸ خرداد ۱۳۲۶ ش. [کابینه نهم] و ۱۹ شهریور ۱۳۲۶ ش. [کابینه دهم] در سمت خود ابقاء شد. [و از ۲۸ خرداد ۱۳۲۶ ش. چون عیسی صدیق در اروپا بود تا ورود ایشان به تهران؛ کفیل وزارت فرهنگ نیز بود]، از ۱ تیر ۱۳۲۷ تا ۲۵ آبان ۱۳۲۷ ش. وزیر فرهنگ در کابینه عبدالحسین هژیر، از آن پس به ترتیب از ۲۵ آبان ۱۳۲۷ ش. وزیر راه، از ۲۱ اسفند ۱۳۲۷ ش. وزیر بهداشتی و سرپرست وزارت کشور و از ۲۱ اسفند ۱۳۲۷ ش. وزیر کشور، از ۲۱ دی ۱۳۲۸ تا ۲۸ اسفند ۱۳۲۸ ش. وزیر راه در کابینه‌های محمد ساعد بود [در ترمیم کابینه ۹ اسفند ۱۳۲۸ ش. در سمت خود باقی ماند]. از ۸ فروردین ۱۳۲۹ تا ۵ تیر ۱۳۲۹ ش. وزیر راه در کابینه علی منصور. و در [کابینه رزم‌آرا در ۶ تیر ۱۳۲۹ ش.] وی به مدت چهار ماه استاندار آذربایجان و ریاست دانشگاه تبریز منصوب شد. در دوره زمامداری دکتر مصدق مدتی به تدریس در دانشگاه مشغول بود و از سال ۱۳۳۱ ش. عازم اروپا شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. به ایران بازگشت. از ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ تا ۲۵ اسفند ۱۳۳۸ ش. نماینده انتخابی تهران در دوره دوم مجلس سنا بود [در ضمن از ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ تا ۲۹ فروردین ۱۳۳۳ ش. منشی مجلس سنا بود]. از ۱۷ دی ۱۳۳۳ ش. رئیس دانشگاه تهران و از ۱۲ خرداد ۱۳۳۵ تا ۱۵ فروردین

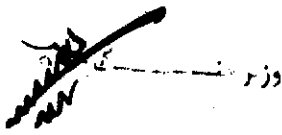
۱۳۳۶ با حفظ سمت در دانشگاه به وزارت دربار انتخاب شد از ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ تا ۱۵ شهریور ۱۳۳۹ ش. نخست‌وزیر بود [دولت وی در ۳۰ آذر ۱۳۳۶ ش. از طرف دکتر حسین پیرنیا نماینده نائین استیضاح شد و در ۱۲ آذر ۱۳۳۶ ش. مجدداً رأی اعتماد گرفت، در ۲۲ خرداد ۱۳۳۸ ش. و ۴ آبان ۱۳۳۸ ش. کابینه خود را ترمیم کرد و در ۸ بهمن ۱۳۳۸ ش. تغییراتی در کابینه خود داد]. در اجلاس چهاردهم سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ م. رئیس هیأت نمایندگی ایران بود. از ۲ اسفند ۱۳۳۹ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. نماینده مشهد در دوره بیستم مجلس شورای ملی، در دوره نخست‌وزیری علی امینی بی‌کار شد و به اروپا رفت؛ در آبان ۱۳۴۲ ش. به ایران بازگشت و از ۱۴ آبان ۱۳۴۲ ش. به ریاست هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت منصوب شد و مجدداً از ۲۱ بهمن ۱۳۴۶ ش. برای مدت سه سال دیگر به ریاست هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت تعیین شد؛ در ۲۱ خرداد ۱۳۵۳ ش. هیأت رئیسه نظام پزشکی مرکز شد.

وی همچنین در مجمع پزشکان بیمارستانهای پاریس کروماندور لژیون Crommenneur de le legion dnonneur، آکادمی طبی فرانسه، شورای دانشکده پزشکی، جمعیت باران، شورای عالی بهداشت، شورای عالی فرهنگ، هیأت مدیره



دکتر منوچهر اقبال

جمعیت شیر و خورشید سرخ عضویت داشت. و رهبری حزب ملیون از سال ۱۳۹۹ ش. [بعد از نخست‌وزیری] و ریاست انجمن قلم از تیر ۱۳۴۶ ش. با او بود.



۱۱۱ - امیر احمدی، احمد [سرلشکر، سپهبد]

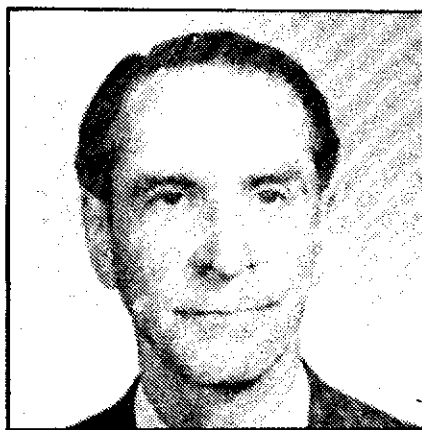
احمد امیراحمدی فرزند سرتیپ تقی‌خان از مهاجرین ایرانی قفقاز، [۱۲۶۷ - ۱۳۴۴ ش.] در تهران متولد شد، تحصیلات مقدماتی تا ده سالگی در مدارس افتتاحیه [به مدیریت مفتاح‌الملک] و تربیت بود. جهت ادامه تحصیل به مدرسه بریگادقزاق [که فقط برای اولاد افسران قزاق تشکیل شده بود] رفت و مدت پنج سال در آنجا به تحصیل زبان روسی و فارسی مشغول شد و در سن پانزده سالگی به درجه وکیل‌باشی [گروهان دومی] در فوج گارد سواره قزاق که پدرش یکی از ژنرالهای آن بود استخدام شد و به مدت یک سال در تهران مشغول به کار شد، پس از انقلاب مشروطیت در ۱۲۸۵ ش. به درجه نایب اولین درجه افسری ارتقا یافت و همراه پدرش به فارس مأمور شد و پس از آن جهت سرکوبی قیام سالارالدوله به کردستان مأموریت یافت و در این میان به درجه نایب دومی نایل آمد و یک سال بعد نیز به نایب اولی ارتقا یافت در جریان جنگ جهانی اول به درجه سلطانی و سرگردی رسید و با شکست نیروهای روسیه در کرمانشاه به همدان و سپس به تهران آمد و پس از یک هفته مأمور اردوی زنجان و مأمور جنگهای داخلی آنجا شد و پس از ۶ ماه به تهران بازگشت و به درجه سرهنگی ارتقا یافت و



سپهبد احمد امیراحمدی

به عنوان فرمانده سوار به مدت یکسال و نیم مأمور لرستان شد، در ۱۴ دی ۱۳۰۰ ش. با پیشنهاد سردار سپه وزیر جنگ و تصویب احمدشاه به همراه شش نفر دیگر به درجه امیرلشکری که بالاترین درجه قشون بود ارتقا یافت و به فرماندهی لشکر غرب منصوب شد، از ۲۰ فروردین ۱۳۰۴ تا ۱۴ تیر ۱۳۰۵ ش. رئیس امنیه کل مملکتی شد، از ۱۱ تیر ۱۳۰۵ ش. به سمت ژنرال آجودان رضاشاه و از ۱۵ تیر ۱۳۰۵ ش. به فرماندهی لشکر آذربایجان منصوب شد. وی مجدداً از ۳۰ مهر ۱۳۰۵ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۸ ش. رئیس امنیه کل مملکتی شد و از ۲۱ فروردین ۱۳۰۷ ش. با حفظ سمت به فرماندهی لشکر غرب منصوب شد، از ۱ فروردین ۱۳۰۸ ش. به درجه سپهبدی [اولین سپهبد ایران] ارتقا درجه یافت. سپس به تهران احضار و تا سال ۱۳۱۸ ش. به ریاست اداره اصلاح‌نژاد و پرورش اسب تعیین شد و از ۱۸ خرداد ۱۳۱۸ ش. به ریاست هیأت اعزامی خرید دواب تعیین شد، پس از آن در جریان جنگ جهانی دوم [۱۳۱۸ - ۱۳۲۴ ش.] به مدت چهار ماه به آلمان رفت. در ۸ شهریور ۱۳۲۰ ش. فرماندار نظامی تهران شد، از ۱۳ آذر ۱۳۲۰ تا ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ ش. وزیر کشور در دو کابینه فروغی، در ۱۶ اسفند ۱۳۲۰ ش. ریاست دادگاه نظامی فوق‌العاده جهت محاکمه سرلشکر مطبوعی، سرلشکر محتشمی، سرلشکر معینی، سرتیپ پوریا، سرتیپ

قادری، سرهنگ شاهنده بود. از ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ش. به فرمانده یادگان مرکز و فرماندار نظامی تهران منصوب شد، از ۲ دی ۱۳۲۱ تا ۲۸ بهمن ۱۳۲۱ ش. وزیر جنگ در کابینه پنجم قوام‌السلطنه، از آن پس تا ۸ فروردین ۱۳۲۳ ش. وزیر جنگ در کابینه علی سهیلی از ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ تا ۱۶ تیر ۱۳۲۶ ش. وزیر جنگ در کابینه‌های ششم تا نهم قوام بود. [کابینه ششم از ۲۵ بهمن ۱۳۲۴، کابینه هفتم از ۱۲ مرداد ۱۳۲۵، کابینه هشتم از ۲۷ مهر ۱۳۲۵ و کابینه نهم از ۲۸ خرداد ۱۳۲۶ تا ۱۶ تیر ۱۳۲۶ ش.]، در ۱۷ بهمن ۱۳۲۶ ش. به ریاست انجمن نشانهای ارتش و ریاست هیأت عالی نظامی منصوب شد. از ۱۸ اسفند ۱۳۲۶ تا ۲۰ اسفند ۱۳۲۶ ش. وزیر جنگ و از آن پس تا ۲۰ اسفند ۱۳۲۶ ش. وزیر کشور در کابینه ابراهیم حکیمی، در شهریور ۱۳۲۷ ش. عضو شورای سلطنت در هنگام مسافرت شاه به اروپا، از ۱ تیر ۱۳۲۷ تا ۵ آبان ۱۳۲۷ ش. وزیر جنگ در کابینه عبدالحسین هژیر بود. نماینده انتصابی تهران در مجلس سنا در دوره یکم از ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ تا ۲۸ آبان ۱۳۳۲ ش. دوره دوم از ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ تا ۲۵ اسفند ۱۳۳۸ ش. دوره سوم از ۳ فروردین ۱۳۳۹ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. دوره چهارم از ۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۴ آذر ۱۳۴۴ ش. و از ۱۴ بهمن ۱۳۴۱ ش. سرپرستی کانون افسران بازنشسته ارتش و ژاندارمری را برعهده داشت.



دکتر شمس‌الدین امیرعلایی

۱۱۴

۱۱۴- امیرعلایی، شمس‌الدین [دکتر]

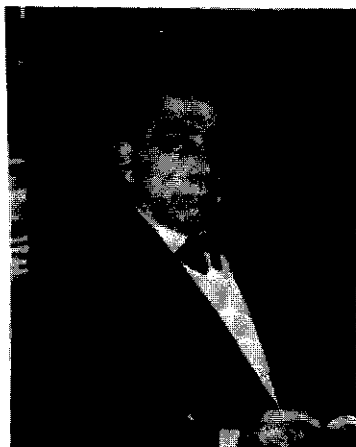
شمس‌الدین امیرعلایی فرزند علی‌اکبر نجدالدوله (۱۲۷۹ - ۱۳۷۳ ش.) در تهران به دنیا آمد، وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سن‌لویی تهران به پایان رساند و رتبه اول را در امتحانات حایز گردید و تحصیلات متوسطه خویش را در مدرسه دارالفنون خاتمه داد. سپس وارد مدرسه حقوق تهران شد و به اخذ لیسانس نایل گردید [ایشان قسمتی از تحصیلات خود را ضمن اشتغال به خدمت انجام داد]، در سال ۱۳۰۸ ش. جهت ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در دانشگاه مونپلیه (فرانسه) تحصیلات علوم مالی و اداری را به اتمام رسانید و در سال ۱۳۱۰ ش. به ایران بازگشت. در سال ۱۲۹۷ ش. وارد خدمات دولتی گردید و در ابتدا به استخدام وزارت پست و تلگراف [کارمند اداره بازرسی] و مراحل اداری را در دوایر مختلف طی کرد، در زمان وزارت علی‌اکبر داور [وزیر عدلیه]، به آن وزارتخانه منتقل گردید و به سمت دادیاری داسرای تهران خدمت قضایی خود را شروع کرد و پس از انتقال داور به وزارت مالیه امیرعلایی را نیز همراه سیزده نفر دیگر به آن وزارتخانه منتقل کرد و در وزارت مالیه به معاونت اداره کل مالیاتهای غیرمستقیم منصوب و در دوایر دیگر نیز فعالیت داشت، پس از مرگ داور به وزارت دادگستری بازگشت و به دادستانی وکلای دادگستری منصوب شد. ریاست شعبه

کفیل کل گمرک - دکتر امینی

۱۱۳ - امینی، علی [دکتر]

علی امینی فرزند محسن خان امین الدوله (۱۲۸۵ - ۱۳۷۱ ش.) در تهران متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی را در مدرسه رشدیه و نزد معلمین خصوصی و پس از اتمام کلاس چهارم ابتدایی به مدرسه علمیه رفت و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. پس از اخذ دیپلم متوسطه عازم عراق شد و مدتی در نجف اشرف به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت. در سال ۱۳۰۵ ش. جهت ادامه تحصیل به فرانسه رفت، سال اول حقوق را در دانشکده حقوق «دانشگاه گرونویل» و بقیه دوره حقوق و دکترای اقتصاد را در دانشگاه پاریس به اتمام رساند و پایان نامه خود را در مورد «تجارت خارجی ایران» تدوین و در سال ۱۳۱۰ ش. با اخذ دکترای اقتصاد از دانشگاه پاریس به ایران بازگشت. پس از مراجعت به ایران توسط علی اکبر داور [وزیر عدلیه] به استخدام وزارت عدلیه درآمد. و اولین شغل وی عضویت علی البدل در محاکم بدایت تهران [دادگاه شهرستان] بود. بعد به عضویت علی البدل محاکم ابتدایی، عضو شعبه دوم دیوان جزای عمال دولت و در سال ۱۳۱۴ ش. که علی اکبر داور وزیر دارایی شد، امینی را نیز با خود به وزارت دارایی برد و او در ابتدا به عضویت اداره اقتصاد وزارت دارایی و پس از ۶ ماه معاون مؤسسه اداره انحصار تریاک شد و از ۱۸ شهریور ۱۳۱۵ تا

۱۳۳۱ ش. بازرس دولت در بانک ملی بود. از تیر ۱۳۳۱ تا شهریور ۱۳۳۲ ش. وزیر مختار ایران در بلژیک. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. استعفا و به ایران آمد. در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۴ ش. به همراه چهار نفر دیگر [سیدباقر کاظمی، الهیار صالح، عبدالله معظمی، محمود نریمان] به جنوب کشور تبعید شد. [امیر علایی ابتدا به برازجان سپس به یزد تبعید شد]، سپس برای ادامه تحصیل عازم اروپا شد و در دانشگاه حقوق پاریس شد و در ۲۹ اسفند ۱۳۴۱ ش. موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه دولتی فرانسه (داتا) و دکترای دانشگاهی شد. و رساله های خود را در مورد «قرارداد نفت» و «شکنجه در ایران» به زبان فرانسه تنظیم و منتشر کرد، آخرین سمت امیر علایی؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اردیبهشت ۱۳۵۸ تا مرداد ۱۳۵۹ ش. سفیر ایران در فرانسه بود. وی همچنین مدتی سردبیر مجله مجموعه حقوقی و مجله رسمی [وزارت دادگستری] بود تألیفاتی نیز دارند، کتاب حقوق تطبیقی [مجموعه مقاله بود که در مجله فوق به چاپ رسیده بود]، خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، چند خاطره سیاسی، مجازات اعدام، یک ماه مأموریت تاریخی در خوزستان، مجاهدان و شهیدان راه آزادی، جنگ سرد نفت، بی گناهان زیر گوتین.



دکتر علی امینی

دو استیفاف مرکز و ریاست دادگاه عالی جنایی شد، سپس رئیس اداره فنی و در سال ۱۳۲۲ ش. به دادستانی دیوان کارکنان دولت در زمان وزارت مصطفی عدل [۵ آذر ۱۳۲۳ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۴] به دادستانی استانهای یک و دو [استان اول: رشت، بندر انزلی، لاهیجان، رودسر، طالش، فومن، زنجان، اراک، لنگرود، رودبار، صومعه سرا، استان دوم، ساری، بهشهر، شاهی، شهنسوار، نوشهر، بابل، آمل، گرگان، کاشان، شاهرود، سمنان، دامغان، نطنز (طبق تقسیم بندی سال ۱۳۱۶ ش.)] منصوب شد و ایشان تقاضای انتظار خدمت کرد و به مدت نه ماه بی کار شد. مجدداً در زمان وزارت حسنعلی کمال هدایت به مستشاری دیوان عالی کشور منصوب شد، از ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ تا ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ ش. کفیل وزارت کشاورزی و از آن پس تا ۲۸ خرداد ۱۳۲۶ ش. به عنوان وزیر کشاورزی در کابینه احمد قوام، [در این کابینه دو بار در ۱۰ مرداد ۱۳۲۴ و ۲۷ مهر ۱۳۲۵ ش. در سمت خود باقی ماند]. پس از آن نماینده دولت در سازمان آب و سپس مدت یک سال استاندار گیلان شد. از ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش. وزیر دادگستری در کابینه حسین علاء [در تجدید کابینه در ۱۸ فروردین ۱۳۳۰ ش. در سمت خود باقی ماند]. از ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش. وزیر اقتصاد ملی در کابینه دکتر محمد مصدق [در ۸ خرداد ۱۳۳۰ ش.] با حفظ سمت وزارت اقتصاد ملی به عنوان مأمور فوق العاده دولت با تمام اختیارات استاندار و مراقبت تامه در امور به نفت و استانداری استان ششم (خوزستان) تعیین شد. از ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ تا ۱۰ آذر ۱۳۳۰ به وزارت کشور و از ۱ مرداد ۱۳۳۰ ش. با حفظ سمت به ریاست شهربانی کل تعیین شد. از ۱۰ آذر ۱۳۳۰ تا ۱۶ بهمن ۱۳۳۰ ش. وزیر دادگستری در کابینه مصدق، از ۱۶ بهمن ۱۳۳۰ ش. مدتی وزیر مشاور و معاون نخست وزیر [دکتر مصدق] در سال

۲۰ آذر ۱۳۱۸ ش. به ریاست گمرک ایران منصوب شد. بعد مدیر کل اقتصادی وزارت دارایی شد و از ۳ آبان ۱۳۲۰ به معاونت دوم وزارت دارایی انتخاب و از رتبه ۶ به ۷ ترفیع پایه یافت. از ۱۸ مرداد ۱۳۲۱ تا ۸ فروردین ۱۳۲۳ ش. معاون سیاسی، پارلمانی نخست وزیر (احمد قوام السلطنه) بود، از ۱ بهمن ۱۳۲۱ ش. رئیس هیأت اقتصادی ایران در آمریکا بود، از ۸ فروردین ۱۳۰۴ ش. عضو شورای عالی اقتصاد و از ۱۰ فروردین ۱۳۲۴ ش. دبیر کل شورای عالی اقتصاد و ریاست هیأت مدیره بانک صنعتی و معدنی ایران شد. از ۲۵ تیر ۱۳۲۶ تا ۶ مرداد ۱۳۲۸ ش. نماینده اول تهران در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی بود. از ۲۰ فروردین ۱۳۲۹ تا ۵ تیر ۱۳۲۹ ش. وزیر اقتصاد ملی در کابینه علی منصور، از ۱۰ آذر ۱۳۳۰ تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱ ش. وزیر اقتصاد ملی در کابینه دکتر مصدق، از ۱ شهریور ۱۳۳۲ تا ۱۷ فروردین ۱۳۳۴ ش. وزیر دارایی در کابینه زاهدی [در ۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ ش. در کابینه زاهدی در سمت خود باقی ماند] و در این سمت نمایندگی ایران برای مذاکره با کنسرسیوم نفت بود و در مورد استخراج و فروش نفت قراردادی منعقد کرد به قرارداد امینی پیچ (هوارد پیچ) معروف شد. از ۱۹ فروردین ۱۳۳۴ تا ۱ خرداد ۱۳۳۴ ش. وزیر دارایی در کابینه حسین علاء، از آن پس تا دی ۱۳۳۴ ش. وزیر دادگستری در کابینه حسین علاء، از دی ۱۳۳۴ تا ۱۰ اسفند ۱۳۳۶ ش. سفیر ایران در آمریکا، از ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ تا ۲۷ تیر ۱۳۴۱ ش. نخست وزیر شد. [طرح اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت در ۶ دی ۱۳۴۰ ش. در این دوره به مرحله اجرا درآمد]، در ۲۲ شهریور ۱۳۴۴ ش. بازنشسته شد، و سپس به اروپا رفت و در سال ۱۳۵۷ ش. به ایران بازگشت و قبل از انقلاب اسلامی از ایران خارج شد.

رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران

عبدالله انتظام

۱۱۴ - انتظام، عبدالله [انتظام وزیری]

سید عبدالله انتظام فرزند سید محمد انتظام السلطنه (۱۲۷۶ ش. - ۱۳۶۲ ش.) در تهران متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه دارالفنون تهران طی کرد سپس وارد انبیرسته لارسال [مدرسه آلمانی در تهران] شد و تحصیلاتش را در همان جا به پایان رساند، او در بهمن ۱۲۹۶ ش. در وزارت امور خارجه استخدام شد، سپس مقامات اداری و سیاسی مهمی را احراز کرد. در ۱۲ بهمن ۱۲۹۶ ش. به عنوان کارآموز [استاژ stage] در اداره تحریرات، از ۲۴ دی ۱۲۹۷ ش. ثابت [ثبت کننده] دایره پرسنل، از ۱۶ جمادی اولی ۱۳۳۷ ق / ۱۵ فروردین ۱۲۹۸ ش. منشی محکمه جزای وزارت امور خارجه، از ۲۰ مرداد ۱۲۹۸ ش. منشی دوم مدعی العموم، از ۱۴ شعبان ۱۳۳۹ ق / ۳




عبدالله انتظام

اردیبهشت ۱۳۰۰ ش. تقریرنویس و منشی اداره دوم محاکمات، از ۳ خرداد ۱۳۰۰ ش. عضو دایره اطلاعات، از ۱۶ تیر ۱۳۰۰ ش. تقریرنویس محکمه تجارت، از ۲۸ آبان ۱۳۰۰ ش. نایب سوم لاهه، از ۵ جمادی اولی ۱۳۳۹ ق / ۲۴ دی ۱۳۰۰ ش. عضو محکمه تجارت، از ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۱ ش. نایب سوم سفارت ایران در آمریکا، از ۱ فروردین ۱۳۰۶ ش. منشی اول دایره اطلاعات، از ۹ اسفند ۱۳۰۶ ش. کارمند اداره دارالترجمه، از ۱ شهریور ۱۳۰۷ ش. مدیر شعبه اداره سوم سیاسی، از ۱ فروردین ۱۳۰۸ ش. مدیر دفتر مخصوص مدیرکل سیاسی، از ۲۱ فروردین ۱۳۱۰ ش. نایب اول سفارت ایران در آمریکا، از ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ ش. نایب اول سفارت ایران در لهستان، از ۷ خرداد ۱۳۱۱ ش. نایب اول سفارت ایران در سویس، از ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۳ ش. منتظر خدمت شد و از ۱ شهریور ۱۳۱۴ ش. رئیس آژانس تلگرافی پارس، از ۱۷ تیر ۱۳۱۵ ش. کنسول ایران در چک و اسلواکی، از ۱۴ شهریور ۱۳۱۵ ش. عضو علی البدل ایران در جامعه ملل و از ۲۰ فروردین ۱۳۱۶ ش. مستشار سفارت و نمایندگی علی البدل در ژنو، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۷ ش. کاردار ایران در سویس، از ۱۰ دی ۱۳۱۹ ش. منتظر خدمت شد، از ۲۴ تیر ۱۳۲۰ ش. رئیس اداره جامعه ملل، از ۱۵ مهر ۱۳۲۱ ش. رئیس اداره سوم سیاسی، از ۱ فروردین ۱۳۲۵ ش. با مقام وزیر مختاری به سمت سرکنسول ایران در اشتوتگارت و نماینده ایران نزد شورای عالی متفقین بود، از ۱۴ شهریور ۱۳۲۸ وزیر مختار ایران در لاهه، از ۱۸ فروردین ۱۳۳۰ ش. تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش. وزیر امور خارجه در کابینه حسین علاء، از ۲۱ مرداد ۱۳۳۱ ش. مشاور عالی سیاسی، از ۲۸ شهریور ۱۳۳۲ ش. تا ۱۶ فروردین ۱۳۳۴ ش. وزیر امور خارجه در کابینه سپهد زاهدی، [در ترمیم کابینه زاهدی

در ۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ ش. در سمت خود باقی ماند]، از ۱۹ فروردین ۱۳۳۴ ش. تا ۳ دی ۱۳۳۴ ش. وزیر امور خارجه در کابینه حسین علاء [در ۲ فروردین ۱۳۳۴ ش. حسین علاء برای معالجه به اروپا رفت و انتظام وزیر امور خارجه ضمن حفظ سمت به سمت نایب نخست وزیر نیز معرفی شد]. از ۳ دی ۱۳۳۴ ش. تا ۲۳ خرداد ۱۳۳۵ ش. وزیر مشاور و از ۲۳ خرداد ۱۳۳۵ تا ۱۴ فروردین ۱۳۳۶ ش. وزیر مشاور و نایب نخست وزیر (حسین علاء). از آن پس تا ۱۲ آبان ۱۳۴۲ ش. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، از ۱۱ تیر ۱۳۴۱ ش. تا ۲۹ بهمن ۱۳۴۱ ش. وزیر مشاور در کابینه اسدالله علم بود. انتظام در اجلاس‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد از ۱۳۱۱ ش. تا ۱۳۱۷ ش. به عنوان دبیر و عضو علی‌البدل عضویت داشت.

وی مترجم کتاب «سرنوشت بشر» نوشته پیر لکت دونویی [در سال ۱۳۴۶ ش. چاپ شد]. و نوشته‌های دیگر سلسله مقالات «نظری تازه بر تصوف و عرفان» که به امضای «لاادری» در مجله وحید انتشار داده است. انتظام عضو جمعیت اخوت بود.

وزیر امور خارجه


۱۱۵ - انتظام، نصرالله [انتظام وزیری]

نصرالله انتظام فرزند سیدمحمد انتظام السلطنه (۱۲۷۸ ش. - ۱۳۶۰ ش.) در تهران متولد شد. وی دوران تحصیلات ابتدایی را در مدرسه آلمانی تهران گذراند.

پس از طی تحصیل ابتدایی وارد مدرسه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد و لیسانس حقوق گرفت و تحصیلات تکمیلی را در پاریس ادامه داد. در سال ۱۲۹۸ ش. به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و به ترتیب متصدی مشاغل ذیل گردید:

از ۱۸ صفر ۱۳۳۸ ق / ۸ آبان ۱۲۹۹ ش. منشی محکمه جزا، از ۴ جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق / ۲۴ اسفند ۱۲۹۹ ش. ثبات اداره دول غیر همجوار، از ۱۹ مهر ۱۳۰۰ ش. به مجلس شورای ملی منتقل شد، به دنبال انتصاب محمدعلی فروغی به وزارت امور خارجه [در کابینه حسن مستوفی الممالک] مجدداً از ۳۱ تیر ۱۳۰۲ ش. به وزارت امور خارجه بازگشت و ابتدا عضو اداره دؤم سیاسی و سپس به عنوان منشی اول اداره دؤم سیاسی و رئیس اداره ترکیه به سفارت عثمانی در تهران معرفی شد، از ۱۰ مرداد ۱۳۰۵ ش. نیابت دؤم سفارت ایران در پاریس، از ۱ فروردین ۱۳۰۷ ش. نیابت دؤم سفارت ایران در ورشو، از ۲۰ خرداد ۱۳۰۹ ش. بطور موقت نیابت دؤم سفارت ایران در پاریس، از ۵ مهر ۱۳۱۰ ش. عضو مقدم اداره اروپا و آمریکا، از ۱ فروردین ۱۳۱۱ ش. عضو مقدم اداره عهدود و جامعه ملل، از ۱۶ شهریور ۱۳۱۱ ش. کفیل اداره عهدود و جامعه ملل، از ۲۰ خرداد ۱۳۱۲ ش. نایب اول سفارت ایران در لندن، از ۱

فروردین ۱۳۱۳ ش. نایب اول و از ۲۵ فروردین ۱۳۱۶ ش. شارژدافر مستقل سفارت ایران در برن (سوئیس)، عضویت هیأت نمایندگی ایران در جامعه ملل را نیز برعهده داشت. از ۱ تیر ۱۳۱۷ ش. تصدی ریاست اداره سؤم سیاسی و از ۳۱ شهریور ۱۳۱۷ ش. ریاست اداره سؤم سیاسی را عهده دار بود، پس از آن به وزارت دربار منتقل و از ۱۴ اسفند ۱۳۱۸ ش. به ریاست تشریفات خارجی دربار تعیین شد و این سمت را بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش. نیز برعهده داشت. از ۱ بهمن ۱۳۲۱ ش. تا ۲۴ بهمن وزیر بهداری در کابینه احمد قوام، از ۲۸ بهمن ۱۳۲۱ ش. تا ۲۳ آذر ۱۳۲۲ ش. وزیر پست و تلگراف و از آن پس تا ۲۵ اسفند ۱۳۲۲ ش. وزیر راه در کابینه علی سهیلی، از ۵ آذر ۱۳۲۳ ش. تا ۱۶ آذر ۱۳۲۳ ش. وزیر راه و از آن پس تا ۲۷ اسفند ۱۳۲۳ ش. وزیر امور خارجه در کابینه مرتضی قلی بیات، از اردیبهشت ۱۳۲۶ تا فروردین ۱۳۲۹ ش. نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد [نیویورک]، از ۲۵ خرداد ۱۳۲۹ ش. تا شهریور ۱۳۳۱ ش. سفیر ایران در آمریکا [در سال ۱۳۳۱ ش. عضو هیأت نمایندگی ایران جهت شرکت در دیوان لاهه بود]، از ۳ شهریور ۱۳۳۲ ش. تادی ۱۳۳۴ ش. سفیر ایران در آمریکا، از ۵ بهمن ۱۳۳۶ ش. تا اردیبهشت ۱۳۴۱ ش. سفیر ایران در فرانسه، از ۲۶ تیر ۱۳۴۱ ش. تا اسفند ۱۳۴۳ وزیر مشاور در کابینه اسدالله علم، همچنین عضویت در هیأت نمایندگی ایران در جلسات عمومی جامعه ملل در سالهای ۱۳۰۸ ش.، ۱۳۰۹ ش.، ۱۳۱۰ ش.، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس تحدید مواد مخدر در سالهای ۱۳۱۰ ش. و ۱۳۱۱ ش.، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس طرفداران جامعه ملل در بروکسل [بلژیک]، نماینده جمعیت ایرانی طرفدار جامعه ملل در کنگره ۱۳۱۵ ش. گلاسکو و ۱۳۱۶ ش.



نصرالله انتظام

پراتیسلاوا، عضو علی‌البدل هیأت نمایندگی ایران در جلسه فوق‌العاده مجمع عمومی جامعه ملل در سال ۱۳۱۶ ش.، نماینده ایران در کمیته اصلاح اساسنامه جامعه ملل ۱۳۱۶ ش. نماینده ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو در ۲۰ دی ۱۳۲۴ ش.، از ۱۴ آذر ۱۳۲۴ ش. تا ۱۴ مرداد ۱۳۲۴ ش. نماینده ایران در کمیته اجرائیه کمیسیون مقدماتی ملل متحد در لندن، ریاست اتحادیه طرفداران ملل متحد ۱۳۲۹ ش. و در سال ۱۳۳۳ ش. نماینده ایران در شورای امنیت و کمیسیون خلع سلاح.

وی در اجلاس‌های سازمان ملل متحد در سالهای ۱۹۳۱ م، ۱۹۳۳ م. به‌عنوان دبیر اجلاس، در سالهای ۱۹۳۴ م. تا ۱۹۳۷ م. به‌عنوان عضو علی‌البدل، و در سال ۱۹۴۶ م. به‌عنوان قائم‌مقام، و در سالهای ۱۹۴۷ م. تا ۱۹۵۲ م. [جز سپتامبر ۱۹۴۷ م و آوریل ۱۹۴۹ م.] سالی دو بار و از آن پس تا سال ۱۹۷۵ م. سالی یک‌بار به‌عنوان رئیس هیأت نمایندگی ایران در [اجلاس‌های سوّم تا دوازدهم] سازمان ملل متحد شرکت کرد.

و نیز در سال ۱۹۳۸ به نمایندگی از ایران در عروسی «دوک دو اسپولتر» به ایتالیا رفت، و در ۴ مهر ۱۳۴۴ ش. به سمت داور اختصاصی پاکستان در جریان اختلافات هند و پاکستان در مورد منطقه «وان آوا کوچ» انتخاب شد.



منابع و ماخذ

۱- ضرغام بروجنی، جمشید، دولتهای عصر مشروطیت، تهران، انتشارات مجلس شورای ملی، ۱۳۵۰ ش.

۲- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و

نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه از ۲۵۰۸ تا ۲۵۳۶ ش.، تهران، انتشارات مجلس شورای ملی، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.

۳- عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، ۲ جلد، چاپ دوّم، ۱۳۷۲ ش.

۴- موحدی، محمدمهدی، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران، تهران، انتشارات مؤسسه نشر علوم و فنون، ۱۳۷۱ ش.

۵- قاسمی، فرید، راهنمای مطبوعات ایران (عصر قاجار ۱۲۵۳ ق / ۱۲۱۵ - ۱۳۰۴ ش.)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲ ش.

۶- شجاعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، جلد سوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۲ ش.

۷- سرمد، غلامعلی، اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجار، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲ ش.

۸- روزنامه امید، چند پرده از زندگانی رجال معروف ایران، بی‌جا، روزنامه امید، ۱۳۲۴ ش.

۹- وزارت امور خارجه، سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹ ش.

۱۰- لویی رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، ترجمه غلامحسین میرزاصالح، تهران، انتشارات نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳ ش.

۱۱- ممتحن‌الدوله شقاقی، مهدی و میرزاهاشم‌خان، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۵ ش.

۱۲- عبدالله‌پور، احمد، وزارت معارف ایران، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۶۹ ش.

۱۳- احتشامی، ابوالحسن، بازیگران سیاست، تهران، انتشارات بنگاه مطبوعاتی امروز، ۱۳۲۸ ش.

۱۴- قائم‌مقامی، جهانگیر [سرهنگ]، تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمترین ایام تا عصر حاضر، تهران، انتشارات اداره روابط عمومی ژاندارمری کشور، ۱۳۵۵ ش.

۱۵- مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی قوام‌السلطنه، چاپ دوم، تهران، انتشارات پانوس - پاسارگاد، ۱۳۶۶ ش.

۱۶- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، کد ۱۹ - ۱۱۶۰۰۲ [اسناد سرلشکر فرج‌الله آق‌اولی]، پاکت ۴۸۱

۱۷- دهنا، بهرام، پارلمان ایران، شرح زندگانی شخصی اجتماعی نمایندگان دوره ۱۹ مجلس شورای ملی و دوره دوم مجلس سنا، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۵ ش.

۱۸- ابوترابیان، حسین، مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ ش.، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۶ ش.

۱۹- برزین، مسعود، شناسنامه مطبوعات از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ ش.، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۷۱ ش.

۲۰- بنی‌آدم، حسین، کتابشناسی موضوعی ایران سالهای ۱۳۴۳ - ۱۳۴۸ ش.، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ ش.

۲۱- نجاتی، غلامرضا [سرهنگ]، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران از کودتا تا انقلاب، چاپ سوم، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۷۱ ش.

۲۲- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات، ۱۳۷۱ ش.

۲۳- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات ارتشید سابق حسینی فردوست)، چاپ چهارم، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۱ ش.

۲۴- عاقلی، باقر، نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار (۱۲۸۵ - ۱۳۵۷ ش.)، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰ ش.

۲۵- بهنود، مسعود، از سیدضیا تا

بختیار، چاپ پنجم، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰ ش.

۲۶- اسکندری، ایرج، خاطرات سیاسی، چاپ دوم، به کوشش علی دهباشی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸ ش.

۲۷- اسکندری، ایرج، خاطرات ایرج اسکندری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۲ ش.

۲۹- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری کد ۵-۱۱۶۰۰۷ [اسناد ایرج اسکندری]، پاکت ۶۱۹.

۳۰- فرزانه، حسین، پرونده پنجاه و سه نفر، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ ش.

۳۱- کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سقوط رضاشاه، چاپ دوم ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران ۱۳۷۲ ش.

۳۲- شیفته، نصرالله، نمایندگان ملت (بسیوگرافی ۸۱ نفر از نمایندگان دوره پانزدهم)، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۷ ش.

۳۳- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، کد ۴۴-۱۱۶۰۰۲، [اسناد منوچهر اقبال]، پاکت ۶۶۶.

۳۴- امیر احمدی، احمد، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.

۳۵- امیر احمدی، احمد، اسناد نخستین سپهبد ایران، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.

۳۶- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، کد ۱۸-۱۱۶۰۰۲، [اسناد سپهبد امیر احمدی]، پاکت‌های ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۹.

۳۷- امیر علایی، شمس‌الدین، چند خاطره سیاسی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰ ش.

۳۸- امیر علایی، شمس‌الدین، خلع ید

از شرکت انگلیس و ایران، تهران، انتشارات دهخدا، ۱۳۵۷ ش.

۳۹- امیر علایی، شمس‌الدین، نقدی بر کتاب سیاه یا خط سیاهی بر کتاب سیاه، تهران، انتشارات دهخدا، ۱۳۶۰ ش.

۴۰- یکتایی، مجید، تاریخ دارایی ایران و گمرکات و انحصارات، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات پیروز، ۱۳۴۰ ش.

۴۱- طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، انتشارات علمی و انتشارات سخن، ۱۳۷۱ ش.

۴۲- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، کد ۳۷-۱۱۶۰۰، [اسناد علی امینی] پاکت‌های ۶۴۱، ۶۴۲.

۴۳- عباسی، محمدرضا و بهروز طیرانی، خاطرات نصرالله انتظام (شهریور ۱۳۲۰ ش. از دیدگاه دربار)، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱ ش.

۴۴- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، کد ۵۹-۱۱۶۰۰۲، [اسناد نصرالله انتظام]، پاکت‌ها ۷۳۲-۷۳۳.

۴۵- نقوی، نقیب، مقاله‌نامه خراسان، چاپ دوم، مشهد، انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.

۴۶- تفرشی مجید و محمود طاهر احمدی، گزارش‌های محرمانه شهربانی، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱ ش.

۴۷- روزنامه ایران، شماره ۸۳۵۲ [این شماره در کد ۱۸-۱۱۶۰۰۲، در پاکت شماره ۴۷۶]، در خزانه سازمان اسناد ملی ایران موجود است.

۴۸- سازمان اسناد ملی، اسناد نخست‌وزیری، کد ۱۰۶۰۰۲، پاکت ۶۱۹.

۴۹- روزنامه اطلاعات سالهای ۱۳۰۵، ۱۳۰۶ تا سال ۱۳۱۲ و ۱۳۲۰.

۵۰- روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۴۴، ۱۳۴۴/۹/۱۱ ش، ص ۸۰۷.

۵۱- نشریه وزارت امور خارجه، سه ماهه اول ۱۳۲۷ ش، صفحات ۶، ۱۵، ۱۶.

۵۲- سالنامه پارس، سال ۱۳۲۳ ش،

ص ۱۰۶.

۵۳- مجله وحید، شماره ۱۲، سال ۱۳۵۱ ش؛ ص ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰.

۵۴- کتاب سال کیهان، سال ۱۳۴۱ ش. ص ص ۹۱۵، ۹۱۷.

۵۵- مجله یغما، سال بیستم ص ۲۱۷، سال بیست‌وسوم ص ۶۳۴، سال بیست‌وهفتم صفحات ۸ تا ۱۱، ۵۵۰ تا ۵۵۱، سال سی‌ام ص ۶۳۸.

۵۶- مجله راهنمای کتاب، سال هفدهم، ص ۶۵۶.

۵۷- مجله آینده سال چهارم، شماره ۶-۸، ص ص ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۴، سال ششم، شماره ۳-۴، ص ص ۲۸۱، ۳۰۵، سال سیزدهم، شماره ۸-۱۲۷، ص ۶۸۵، سال شانزدهم، شماره ۹-۱۳، ص ۷۶۴.

۵۸- آرشیو روزنامه اطلاعات، شماره‌های ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۷، ۴۳، ۴۷، ۱۰۱، ۳۳۷، ۱۰۵۸، ۲۱۳۸، ۳۱۲۳.

۵۹- ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، روزنامه اطلاعات، ۳ جلد.

۶۰- مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.

۶۱- چهره مطبوعات معاصر، تهران، ناشر پرس اجنت، ۱۳۵۱ ش.

۶۲- سالنامه دنیا، سال بیست‌ودوم، ص ص ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۰، ۳۱۵، سال بیست‌وسوم، ص ص ۸۹، ۲۵۷، سال بیست‌وچهارم، ص ۲۹۹، سال بیست‌وششم، ص ۳۲۶، سال بیست‌وهفتم، ص ۱۱۲، سال بیست‌وهشتم، ص ۳۵.

* با تشکر از همکاری آقای دکتر باقر عاقلی، آقای ابراهیم شاکری و همکاران ایشان در آرشیو روزنامه اطلاعات، آقای دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد و رضا فراستی مدیر آرشیو و مرکز مؤسسه مطالعات و پژوهشهای فرهنگی و کتابخانه و بانک اطلاعاتی مؤسسه مزبور و همکاران خدمات آرشیوی و کتابخانه سازمان اسناد ملی ایران.